

## Twitter users Activism in Commemoration of Halabja Tragedy Victims

Sondos Mohammadi

Nousoudi 

Ph. D Student of Communication, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abdollah Bicharanlou 

Assistant Professor of Communication, University of Tehran, Tehran, Iran.

### Abstract

On March 16, 1988 chemical attack on the Kurdish town of Halabja by Iraqi forces under Saddam Hussein, the largest ever chemical weapons attack, killed between 3000 to 5000 civilians, and injured 7000 to 10000 ones. Despite the depth and severity of this tragedy, due to the victims' lack of access to the media, it did not make a clear image in the world public opinion and even among the Kurds themselves; but the proliferation of social media allowed victims to draw global public attention to the crime. This paper is to study the Kurdish activism in cyberspace by a focus on the 33rd chemical anniversary of Halabja through analyzing their hashtag activism on the social network Twitter. Research results show that 8 main axes in Kurdish hashtag activism are highlighted on Twitter, which include: Narration of the Halabja tragedy on Twitter, a manifestation of symbolism in virtual activism by republishing photos of Omar Khavar and his child, pursuing the suffering of this pain in the faces of the survivors, the media coverage of the Halabja tragedy worldwide, Halabja as a common pain, not forgetting the Halabja tragedy, the founders of the Halabja genocide, and switching between online and offline activism boundaries. Based on the research results, Twitter acts as an online public sphere for Kurds, enabling them to develop an alternative discourse on the Halabja tragedy by creating a media stream.

**Keywords:** Virtual Public Sphere, Halabja Chemical Attack, Twitter users, Hashtag activism, Virtual Memorial.

– Corresponding Author: bikaranlou@ut.ac.ir

**How to Cite:** Mohammadi Nousoudi, S., Bicharanlou, A. (2022). Twitter users Activism in Commemoration of Halabja Tragedy Victims, *Journal of New Media Studies*, 8(29), 1-40.



فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین


سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۴۰۱، ص ۱ تا ۴۰

www.nms.atu.ac.ir


DOI: 10.22054/nms.2022.62467.1255

## کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی (کیمیاباران) حلبچه

دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سندوس محمدی نوسودی 

استادیار ارتباطات دانشگاه تهران، تهران، ایران.

عبدالله بیجرانلو \*

### چکیده

در اسفند ۱۳۶۶ شهر حلبچه در کردستان عراق به دستور صدام، هدف حملات شیمیایی قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۳ تا ۵ هزار نفر و زخمی شدن ۷ تا ۱۰ هزار نفر شد. علی‌رغم عمق این فاجعه به دلیل عدم دسترسی قربانیان به رسانه، در افکار عمومی جهانی و حتی بین خود کردها تصویری دقیق از آن شکل نگرفت؛ اما گسترش رسانه‌های اجتماعی به قربانیان این امکان را داد تا بتوانند توجه افکار عمومی جهانی را به جنایت مذکور جلب کنند. هدف مقاله پیش رو مطالعه کنشگری کردها در فضای مجازی بر محور سی و سومین سالگرد بمباران شیمیایی حلبچه با تحلیل کنشگری هشتگی آن‌ها در شبکه اجتماعی توئیتر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ۸ محور اصلی در کنشگری هشتگی کردها در توئیتر برجسته هستند که شامل؛ روایتگری فاجعه حلبچه از قاب توئیتر، تجلی نمادگرایی در کنشگری مجازی با بازنشر عکس عمر خاور و فرزندش، پیگیری رد رنج این درد در چهره بازماندگان، بازتاب رسانه‌ای فاجعه حلبچه در سطح جهانی، حلبچه به مثابه درد مشترک، فراموش نکردن فاجعه حلبچه، بانیان نسل کشی حلبچه و جابه‌جایی بین مرزهای آنلاین و آفلاین کنشگری. بر اساس نتایج پژوهش، توئیتر برای کردها به مثابه یک حوزه عمومی آنلاین عمل می‌کند که به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا با ایجاد جریان رسانه‌ای در زمینه فاجعه حلبچه، گفتمان جایگزین را در مورد آن طرح کنند...

**کلیدواژه‌ها:** حوزه عمومی مجازی، فاجعه حلبچه، کاربران توئیتر، کنشگری هشتگی، یادبود مجازی.

## ۱- مقدمه و طرح مسئله

اولین واژه‌ای که پس از شنیدن اسم حلبچه در اذهان بسیاری از افراد نقش می‌بندد بمباران شیمیایی حلبچه (به کردی؛ کیمیا‌بارانی هه له بجه) است که از آن با عنوان «جمعه خونین» نیز یاد می‌شود. در اسفند ۱۳۶۶ به دستور صدام، بمباران شیمیایی حلبچه صورت گرفت که منجر به شهادت ۳ تا ۵ هزار نفر و زخمی شدن ۷ تا ۱۰ هزار نفر دیگر شد (Torelli, 2017; Yildiz, 2007) از این فاجعه با عنوان نسل‌کشی مردم کرد عراق یاد می‌شود که بزرگ‌ترین حمله شیمیایی مستقیم به یک منطقه شهرنشین در طول تاریخ است. حلبچه در کردستان عراق در ۲۶۰ کیلومتری شمال شرقی بغداد و ۸۳ کیلومتری شرق شهر سلیمانیه واقع شده است. همچنین این شهر در ۱۵-۱۰ کیلومتری مرز ایران در مجاورت با شهرهای پاوه و مریوان قرار دارد. موقعیت مرزی این شهر اهمیت آن را برای مردم ایران چندین برابر کرده است. فاجعه شیمیایی حلبچه در زمانی رخ داد که پیروزی رزمندگان در عملیات والفجر ۱۰، آزادسازی بسیاری از مناطق کردنشین از جمله حلبچه را به دنبال داشت. پس از ورود نیروهای ایرانی به حلبچه، مردم شهرها و روستاهای اطراف به استقبال آنان شتافتند. این مسئله چنان برای رژیم بعث غیرقابل‌باور بود که در اقدامی غیرانسانی و به قصد انتقام‌گیری از این شکست فاحش و دشمنی با مردم کرد، حلبچه و اطراف آن را هدف بمب‌های شیمیایی قرارداد (حسینی خوی، ۱۳۹۸).

در آن زمان علی‌رغم عمق این فاجعه ولی در اذهان جهانی و حتی بین خود کردها تصویری دقیق از آن شکل نگرفت. بسیاری از کردهای عراق تا ماه‌ها و سال‌ها بعد به بزرگی جنایات اعمال‌شده توسط رژیم عراق پی نبردند. شیخ‌الاسلامی دلیل اصلی این مسئله را عدم دسترسی بسیاری از کردها به رسانه می‌داند و در ادامه تصریح می‌کند که با آمدن اینترنت شرایط برای کردها تغییر کرده است؛ «اینترنت فضای ارتباطی جایگزینی برای تولید و بازتولید هویت کردی فراهم کرده است» (Sheyholislami, 2011:7). به مدد استفاده از رسانه‌های جدید، کردها این امکان را پیدا کرده‌اند که مسائل و مشکلات خود را در فضایی جهانی طرح کنند. اگرچه هویت کردی واحد وجود ندارد اما در

دهه‌های گذشته، کردها از مکان‌های بسیار مختلفی شروع به یادگیری در مورد خود و دیگران کرده‌اند (Sheyholislami, 2011).

هرچند در سال ۱۳۶۶ صدای حلبچه به گوش مردم جهان نرسید و شاید اگر عکس‌های عکاسان ایرانی از حلبچه نبود تصویری از آن در اذهان عمومی باقی نمی‌ماند، اما در سال‌های اخیر آیین‌های یادبودی در سالگرد این فاجعه بشری در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کردستان ایران و عراق اجرا می‌شود؛ اما اصلی‌ترین عاملی که باعث شد حلبچه محور بحث‌های گسترده‌ای در حوزه عمومی شود گسترش استفاده از فضای مجازی بین کردها بود. با افزایش استفاده از فضای مجازی بسیاری از اسناد مرتبط با این فاجعه به‌صورت گسترده در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بازنشر شدند و همین روند به افکار عمومی این فرصت را داد که با تعمق بیشتری به این رویداد بیندیشند.

در سی و سومین سالگرد فاجعه حلبچه در فضای واقعی و مجازی کنش‌های مختلفی برای زنده نگه‌داشتن یاد شیمیاباران حلبچه صورت گرفت. با توجه به شیوع ویروس کووید-۱۹ در سطح جهانی و محدودیت‌های ناشی از شیوع کرونا در تعاملات جمعی آیینی نیز در تقویت یادبود مجازی شیمیاباران حلبچه مؤثر بوده است که در این مقاله، چگونگی کنشگری در این زمینه مطالعه شده است. بنابر آنچه طرح شد پرسش‌های پژوهش پیش رو به شرح ذیل هستند:

0 مهم‌ترین موضوعات و مضامینی که کاربران توئیتر در گرامیداشت قربانیان فاجعه حلبچه در فضای مجازی طرح کرده‌اند، چیست‌اند؟  
0 این موضوعات و مضامین چه تصویری از کنشگری در فضای مجازی در مورد فاجعه حلبچه ارائه می‌کنند؟

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱ کنشگری هشتگی

اینترنت تبدیل به یک جنبه اساسی از زندگی مدرن شده که نقش زیادی در تحول عرصه‌های مختلف زیست انسان بر روی کره زمین داشته است. همین باعث شده است که

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... : محمدی نوسودی و بیجرانلو | ۵

محوری‌ترین اصطلاح‌هایی که به تعریف حوزه‌های گوناگون تجربه بشری اختصاص یافته‌اند نیاز به اتخاذ دیدگاهی بازاندیشانه پیدا کنند. یکی از این حوزه‌های مهم کنشگری است که با پدیدآیی رسانه‌های نوین شمایل تازه به خود گرفته است. واتسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) کنشگری را به‌عنوان اقدامی که برای تغییر اجتماعی صورت می‌گیرد، تعریف می‌کند. چنین تغییری ممکن است در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا زیست‌محیطی صورت گیرد. کنشگری به‌طور معمول با جنبش‌های اجتماعی در ارتباط است. شناخته‌شده‌ترین انواع کنشگری شامل نامه‌نگاری و دادخواست، لابی‌گری، دادخواهی، تظاهرات، نافرمانی مدنی و کنشگری دیجیتال هستند.

با ظهور اینترنت و رسانه‌های اجتماعی نحوه ارتباط افراد و انتشار اطلاعات تغییر کرد. (Ahmed et al, 2016) و همین باعث شد که میدان‌های نوینی برای عمل در اختیار کنشگران قرار بگیرند. از دهه ۱۹۹۰ بحث‌ها در مورد نوع جدیدی از کنشگری که با اصطلاحاتی نظیر کنشگری سایبری<sup>۲</sup>، کنشگری آنلاین<sup>۳</sup>، کنشگری وب ۲٫۰<sup>۴</sup> و اعتراض ۲٫۰<sup>۵</sup> و یا کنشگری دیجیتال<sup>۵</sup> از آن یاد می‌شود، افزایش یافته‌اند (Jordan, 2002; Meikle, 2002; 2010; Cammaerts, 2007; McCaughey & Ayers, 2003; Joyce, 2010; Vegh, 2003). جوینس<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) کنشگری دیجیتال را استفاده از فناوری‌های دیجیتال تلفن همراه و دستگاه‌های مبتنی بر اینترنت برای تغییرات سیاسی و اجتماعی تعریف می‌کند. وگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳: ۷۲) کنشگری آنلاین را به‌عنوان «جنبش‌های سیاسی مبتنی بر اینترنت» تعریف می‌کند. از دید او کنشگری آنلاین، فعالانه است، به دنبال دستیابی به اهداف خاصی است و معمولاً کنترل و قدرت مقامات را هدف قرار می‌دهد. اینترنت که در ابتدا به‌عنوان یک ابزار برای کنشگری معرفی شده بود در مدتی کوتاه تبدیل به یک میدان مبارزه برای کنشگرانی شد که به مدد امکانات آن می‌توانستند شکل‌های نوینی از کنش را

- 
1. Roland O. Watson
  2. Cyber Activism
  3. Online Activism
  4. Web2.0 Activism
  5. Digital Activism
  6. Mary Joyce
  7. Sandor Vegh

تجربه کنند که ما به ازای آن‌ها در فضای واقعی وجود نداشت (Cammaerts, 2015; Van Laer & Van Aelst, 2010; Harlow, 2012).

نوآوری‌های ارتباطی دو دهه اخیر از جمله رسانه‌های اجتماعی طیف وسیعی از ابزارهای دیجیتال را برای فعالان گسترش داده‌اند. درحالی که این رسانه‌ها برای دسترسی به اهداف تفریحی و تجاری طراحی شده‌اند، محبوبیت آن‌ها و به‌ویژه ظرفیتشان برای انتشار و پیروسی اطلاعات و پیام‌ها باعث شده است که به ابزارهای مهمی برای فعالیت‌های دیجیتال تبدیل شوند. این ابزارها، پلتفرم‌هایی هستند که به راحتی قابل دسترس هستند و از طریق آن‌ها افراد و گروه‌ها می‌توانند اطلاعات، عکس‌ها و ویدیوهای دیجیتال را بدون نیاز به سطح غیرمعمولی از تخصص فنی، دانلود<sup>۱</sup> (بارگیری)، آپلود<sup>۲</sup> (بارگذاری) و شیر<sup>۳</sup> (اشتراک‌گذاری) کنند (Ricketts, 2012: 188). به واسطه جریان مداوم و سریع به اشتراک‌گذاری رسانه‌ای، گروه‌های فعال بیش‌ازپیش برای آگاهی‌رسانی در مورد اهداف، جلب حمایت و سازمان‌دهی اقداماتشان توانا شده‌اند (Jackson, 2015: 25).

یکی از امکانات نوینی که رسانه‌های اجتماعی برای کنشگری در اختیار فعالان قرار داده‌اند هشتگ‌ها هستند. هرچند که استفاده از هشتگ از مدت‌ها پیش از گسترش استفاده از رسانه‌های اجتماعی وجود داشته است ولی توئیتر باعث رواج و محبوب شدن این امکان شد. در آگوست ۲۰۰۷ کریس مسینا یک تکنیسین از سانفرانسیسکو با طرح این سؤال از دنبال‌کنندگان خود هشتگ توئیتر را پیشنهاد داد.

نظر شما در مورد استفاده از # (پوند) برای گروه‌ها چیست؟ مثل #بارکمپ [پیام]؟ - کریس مسینا، ۲۳ اوت ۲۰۰۷ (Caleffi, 2015).

توئیتر در ژوئیه ۲۰۰۹ امکان استفاده از هشتگ را ارائه کرد که در آن عبارت هشتگ شده به یک لینک تبدیل می‌شد که کاربران با کلیک روی آن به صفحه‌ای هدایت می‌شدند که نتایج جستجوی سایر توئیتهای دارای آن هشتگ را نمایش می‌داد. حدود یک سال پس از آن، سایر شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، پین‌تر است و اینستاگرام نیز

- 
1. Download
  2. Upload
  3. Share

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... : محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۷

این نوآوری جدید را پذیرفتند و امکان استفاده از آن را ایجاد کردند (Oloyede & Elegu, 2019). متعاقب استفاده از هشتگ‌ها اصطلاح «کنشگری هشتگی»<sup>۱</sup> گسترش یافته است که یکی از عمده‌ترین اشکال کنشگری آنلاین شناخته می‌شود. یانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) فعالیت هشتگ را چنین تعریف می‌کند: «بحثی اعتراض‌آمیز در رسانه‌های اجتماعی از طریق هشتگ، عبارت یا جمله» (۱۳). فعالیت هشتگی تلاش برای استفاده از کارکرد هشتگ در رسانه‌های اجتماعی برای برانگیختن تغییرات اجتماعی، جلب توجه به موضوعات اجتماعی و بسیج جوامع برای کنش است (Dadas, 2017; Ofori-Parku & Moscato, 2018).

## ۲-۲ حوزه عمومی آنلاین

حوزه عمومی این‌گونه ترسیم شده است که در آن افراد خصوصی دورهم جمع می‌شوند تا عموم را ایجاد کنند. وجود محفلی که در آن افراد بتوانند اطلاعات و نظرات شخصی را به‌طور مساوی و بدون کنترل سیاسی و اقتصادی مبادله کنند، باعث تشکیل حوزه عمومی می‌شود (Habermas, 1989). اصولاً دسترسی به حوزه عمومی برای همه شهروندان آزاد است. شهروندان وقتی بدون رعایت زور و اجبار با موضوعات مربوط به منافع عمومی برخورد می‌کنند، مانند عموم عمل می‌کنند (Habermas, 1989: 231)؛ بنابراین می‌توان گفت که حوزه عمومی جایی است که موضوعات اجتماعی و سیاسی بیان می‌شوند و مورد مذاکره قرار می‌گیرند و کشمکش‌ها بر سر معانی هژمونیک روی می‌دهند (Ferrer & Retis, 2019).

در مورد تبدیل شدن اینترنت به یک حوزه عمومی جایگزین بحث‌های گسترده‌ای در جامعه دانشگاهی شکل گرفته‌اند. بسیاری از اندیشمندان تلاش کرده‌اند که نکات قوت و ضعف اینترنت را در تبدیل شدن به یک حوزه عمومی جایگزین شناسایی کنند (Lowrey, 2001; Paulussen, 2004; Poor, 2005; Dahlberg, 2005; Anderson, 2005). عموماً حوزه عمومی آنلاین مکمل یا حتی جایگزین حوزه عمومی قدیمی موجود که به‌طور

1. Hashtag Activism

2. Guobin Yang

گسترده‌ای به‌مثابه عنصر اساسی دموکراسی‌های مدرن شناخته می‌شود، تصور شده است (Schäfer, 2015). دانشمندان تأکید کرده‌اند که رسانه‌های آنلاین افراد بیشتری را قادر می‌سازند تا صدای خود را در جامعه به گوش دیگران برسانند. (Bennett & Segerberg, 2012) در این حوزه مجازی، گروه‌هایی با علایق خاص در کنار هم زندگی می‌کنند و هویت جمعی مخالفشان را به نمایش می‌گذارند و در نتیجه، پویایی‌های اجتماعی جهان واقعی را بازتاب می‌دهند. این نوع از حوزه مجازی واقعی، ترکیبی از چندین حوزه گروه‌های مخالف است که از گفتمان سیاسی رایج و غالب طرد شده‌اند اما هنوز ارتباطات مجازی را به کار می‌گیرند تا با جریان غالبی که آن‌ها را طرد کرده است، مبارزه کنند. (Papacharissi, 2004) پور<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) بر اساس مدل هابرماس، معیارهای ذیل را برای حوزه عمومی آنلاین برشمرده است:

- ۱- حوزه‌های عمومی فضاهای گفتمانی، اغلب با واسطه هستند.
- ۲- حوزه‌های عمومی امکان گفت‌وگو را برای افرادی که تا پیش‌ازین از بحث محروم بودند ایجاد کرده‌اند.
- ۳- موضوعات مورد بحث اغلب ماهیت سیاسی دارند.
- ۴- ایده‌ها بر اساس شایستگی آن‌ها ارزیابی می‌شوند، نه موقعیت سخنوران.

### ۳. روش تحقیق

در مقاله حاضر متناسب با موضوع انتخاب شده از روش کیفی تحلیل مضمون (تماتیک) استفاده شده است. براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل تماتیک را فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی می‌نامند که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. این روش عبارت است از تحلیل متنی بر اساس استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی و درک تحلیلی دست می‌یابد؛ به عبارت دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل



کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... : محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۹

مفهوم‌یابی و شناسایی تم‌های محوری باهدف کشف این مهم که داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶).

با توجه به این که تحلیل تماتیک به محقق این امکان را می‌دهد تا الگوهای موجود در داده‌های کیفی را کشف کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰)، ما نیز با به کارگیری این روش تلاش کرده‌ایم که الگوهای موجود در هشتک‌های به کاررفته در سالروز شیمیاباران حلبچه را پیدا کنیم تا از این طریق بتوانیم به یک طرح مشخص از افکار و احساسات مرتبط با این موضوع بین کنشگران فعال در توئیتر دست پیدا کنیم. در ابتدا هشتک #halabja را به زبان انگلیسی در توئیتر جستجو کردیم و از خلال آن به داده‌هایی دست یافتیم که ما را به جستجوی حلبچه به زبان‌های کردی سورانی، کردی کرمانجی، ترکی، فارسی و عربی هدایت کرد؛ چراکه پس از جستجوهای اولیه مشخص شد که فاجعه حلبچه نه تنها برای کردهای عراق بلکه برای کشورهای سایر کشورها نیز از اهمیت برخوردار است، اما با توجه به اینکه خود کردها به دو گویش مختلف سورانی و کرمانجی که اولی به الفبای عربی و دومی به الفبای لاتین نوشته می‌شود، سخن می‌گویند نیاز به افزایش دامنه جستجو وجود داشت. همچنین با لحاظ این نکته که کردها در چهار کشور مختلف زندگی می‌کنند که آموزش رسمی در آن‌ها به زبان‌های فارسی (برای کردهای ایران)، عربی (برای کردهای سوریه و تا حدودی عراق) و ترکی (برای کردهای ترکیه) صورت می‌گیرد؛ بنابراین هشتک‌های مذکور نیز به جستجوهای قبلی افزوده شدند. در نهایت ۶۰۰ توئیٹ برای تحلیل انتخاب شدند و پس از آن که مراحل مختلف کدگذاری در روش تحلیل تماتیک (مضمون) بر آن‌ها اعمال شد، مضمون‌های اصلی در توئیتر استخراج شد. در جدول ذیل مشخصات زبانی هشتک‌های جستجو شده ارائه شده است:

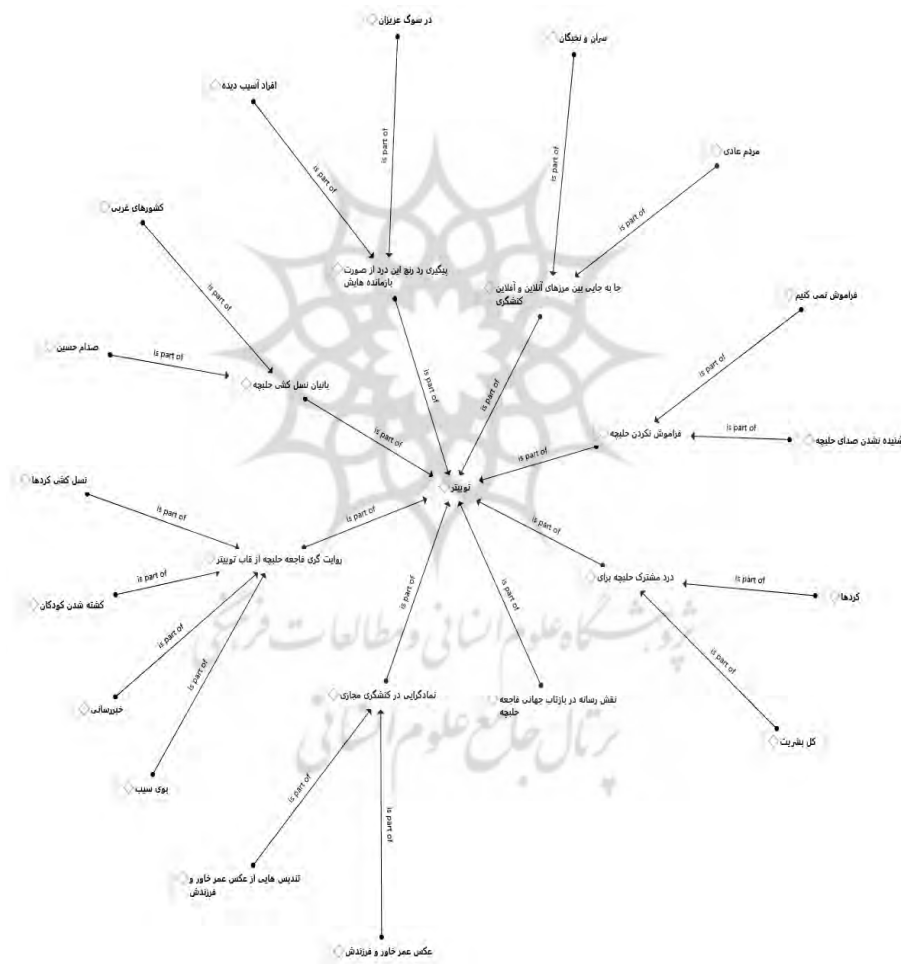
هشتک‌های جستجو شده	زبان هشتک
#ههلهپچه #کیمیابارانی_هلهپچه #ههلهپچه_هی_شهید	کردی سورانی
#KomkujiyaHelebce #helepçe	کردی کرمانجی
#حلبچه #حلبچه_شهید	فارسی
#Helepce #halepcekatliami	ترکی
#حلبچه #مجزرة_حلبچه	عربی
halabja #halabjagenocide#	انگلیسی

در این روش برای انتخاب پست‌ها از نمونه‌گیری هدفمند که در روش‌های کیفی کاربرد دارد، استفاده شده است. شوانت (۱۹۹۷) منطق این رویکرد غیراحتمالی را این‌گونه توضیح می‌دهد: محل‌ها و موردها به این دلیل انتخاب می‌شوند که رخداد‌های مربوط به آن‌ها نقشی حیاتی در فهم فرآیندها یا مفاهیم و آزمون یا توضیح نظریه‌های پذیرفته‌شده ایفا می‌کنند (به نقل از لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۱۷۳). همچنین نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن‌پس مشابه به نظر می‌رسند (ذکائی، ۱۳۸۱: ۵۹). برای کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های گردآوری‌شده در توئیتز از نرم‌افزار Atlas.ti استفاده شده است.

در تکمیل روش تحلیل تماتیک در مضامینی که تصاویر محور اصلی کنشگری فعالان بوده‌اند از روش نشانه‌شناسی رولان بارت برای تحلیل عکس استفاده شده است. از دیدگاه بارت، کار نشانه‌شناس یافتن دلالت معنایی در گستره‌ی بی‌پایان زندگی بشر امروزی است (بارت، ۱۳۸۹: ۱۲). در همین راستا بارت در نشانه‌شناسی تصاویر دو دسته معنای صریح و ضمنی را از یکدیگر تفکیک می‌کند. در دلالت مستقیم یا صریح تمایل به ارائه معنای معین، ملفوظ، آشکار یا مطابق با عقل سلیم برای نشانه وجود دارد (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱۰). اصطلاح دلالت ضمنی برای ارجاع به معناهای اجتماعی-فرهنگی و شخصی نشانه به کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱۰). در همین راستا، در این پژوهش عکس‌هایی که در مقوله‌های مختلف استفاده شده‌اند با روش نشانه‌شناسی بارت تحلیل شده‌اند و معنای صریح و ضمنی آن‌ها بیان شده است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل توئیتهای کاربران توئیتر درمورد فاجعه حلبچه و کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها در مراحل مختلف روش تحلیل تماتیک درنهایت ما را به ۸ مضمون اصلی رساند که در ادامه به‌صورت تفصیلی به آن‌ها پرداخته شده است. در ابتدا نموداری از تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti ارائه شده است، سپس در قالب یک جدول برای مضامین اصلی و مضامین خرد، نمونه‌هایی ذکر شده‌اند:



مضمون اصلی	مضمون خرد	نمونه توئیته‌ها
	خبررسانی	۳۳ سال قبل صدام با شلیک سلاح‌های شیمیایی، کشتاری دسته‌جمعی را در حلبچه به راه انداخت که به کشته شدن ۵ هزار نفر و مجروح شدن ۷ هزار نفر منجر شد. کودکان، قبل از مرگ در آغوش پدر و مادرشان، کور شدند و دهانشان کف می‌کرد. <sup>۱</sup>
روایت‌گری فاجعه حلبچه در قاب توئیتر	نسل‌کشی کردها	این زیرمقوله اشاره به عکس‌هایی دارد که در آن‌ها تعداد زیادی از اجساد و مردم وحشت‌زده به تصویر کشیده شده‌اند.
	کشته شدن کودکان	این زیرمقوله به عکس‌هایی که در آن‌ها به کشته شدن کودکان اشاره شده است، می‌پردازد.
	بوی سیب	گاز سمی بوی سیب می‌داد، آخرین چیزی که کودکان قبل از مرگ گفتند "مادر، بوی سیب می‌آید." <sup>۲</sup> مرگ با بوی سیب آمد. <sup>۳</sup>
تجلی نمادگرایی در کنشگری مجازی با بازنشر عکس عمر خاور و فرزندش	عکس عمر خاور و فرزندش	این زیرمقوله اشاره به انتشار گسترده عکس عمر خاور و فرزندش در توئیتر دارد.
	عکس‌هایی از تندیس عمر خاو و فرزندش در حلبچه	این زیرمقوله اشاره به انتشار عکس‌هایی از تندیس عکس عمر خاور و فرزندش که در حلبچه ساخته شده‌اند، دارد.
فراموش نکردن فاجعه حلبچه	فراموش نمی‌کنیم	حلبچه یکی از آن زخم‌های سخت است که فراموش نمی‌شود. <sup>۴</sup>
	شنیده نشدن صدای حلبچه	فراموش کردن مردگان مانند کشتن آن‌ها برای دومین بار است. <sup>۵</sup> #حلبچه با سکوت معناداری دفن شد.
بانیان نسل‌کشی حلبچه	صدام حسین	در ۱۶ مارس ۱۹۸۸، در آستانه نوز، رژیم فاشیست بعثی

- 33 years since Chemical Weapons fired by Saddam slaughtered the town of #Halabja, killing over 5000 & seriously injuring over 7000. Children, blinded, frothed at the mouth before dying in their dead parents arms. From the pets to the grandparents everyone died.
- The poison gas smelled like apples, the last thing children said before they died was "Mom, it smells like apples here."
- Elma kokusu ile geldi ölüm.
- Halepçe yek ji wan birînê helî dijwar e ku nayê ji bîrkirin.
- "To forget the dead would be akin to killing them a second time."

مضمون اصلی	مضمون خرد	نمونه توییت‌ها
		صدام حسین جنایت وحشتناکی علیه کردها در منطقه حلبچه اقلیم کردستان، انجام داد. <sup>۱</sup>
	کشورهای غربی	شرکت‌هایی که مواد شیمیایی را فروختند و دولت‌هایی که چشم بسته‌اند، هنوز پاسخگو نیستند. <sup>۲</sup> غرب خصوصاً آلمان، صدام رو به سلاح شیمیایی مجهز کردن صدام هم بارها مرتکب جنایت جنگی شد از جمله در سردشت و حلبچه. آمریکا و غرب واکنشی جز سکوت نداشتن. چندسال بعد همین آمریکا به عراق به بهانه سلاح شیمیایی حمله میکنه. #حقوق_بشر_آمریکایی بوی تعفن میده.
حلبچه به مثابه درد مشترک	کردها	من معتقدم که همه کردها از حملات # حلبچه آسیب دیده‌اند. آن‌چنان تأثیر مخربی بر مردم ما گذاشت که حتی نسل‌های جدید هم نمی‌توانند از پس آن برآیند. <sup>۳</sup> حلبچه زخم بهبودنیافته مردم کرد است. ما حلبچه را فراموش نمی‌کنیم. <sup>۴</sup>
	همه بشریت	این تصویر وحشتناک و دلخراش را نباید فراموش کرد یا پاک کرد، نه تنها از یاد کردها و بقیه عراقی‌ها، بلکه حتی از یاد هر فرد صلح‌جو در سراسر جهان است که جنایات علیه بشریت را محکوم می‌کند. <sup>۵</sup>
جابه‌جایی بین مرزهای آنلاین و آفلاین کنشگری	مردم عادی	برای بزرگداشت قربانیان # کشتار حلبچه، مردم کردستان ساعت ۱۱:۰۰ به مدت ۵ دقیقه سکوت می‌کنند. <sup>۶</sup>
	سران و نخبگان	ادای احترام رئیس # بارزانی به شهدای حمله شیمیایی حلبچه. #حلبچه #نسل‌کشی-حلبچه. <sup>۱</sup>

۱. فی ۱۶ آذار ۱۹۸۸، فی عشیة عید نوروز، ارتکب نظام صدام حسین البعثی الفاشی جریمة مروعة بحق الکرد فی منطقة حلبجة - إقليم کردستان.

2. Companies that sold them chemicals and governments that turned a blind are yet to be held to account.

3. I believe every Kurd is traumatised by #Halabja attacks. It had such a devastating impact on our people that even the new generation can't deal with it.

4. Helebce birîna hevpar a bêdermankirî ya gelê kurd e. Em Helebceyê ji bîr nakin.

۵. هذه الصورة المأسوية المرعبة يجب ان لا تنسى ولا تمحي لیس من ذاكرة الاكراد فحسب ولا ذاكرة من بقیة

العراقیین، بل حتی من ذاكرة كل انسان حول العالم محب للسلام ومندد بالجرائم ضد الانسانية.

6. To commemorate the victims of #Halabja massacre, people in Kurdistan stand silence for 5 minutes at 11:00.

مضمون اصلی	مضمون خرد	نمونه توییت‌ها
		پارلمان عراق سی و سومین سالگرد حمله سلاح‌های شیمیایی به #حلبچه را گرامی می‌دارد. <sup>۲</sup>
	در سوگ عزیزان	این زیرمقوله اشاره به تصاویری از کسانی دارد که کنار مزار عزیزانشان نشسته‌اند.
پیگیری رد رنج این درد از چهره بازمانده‌هایش	افراد آسیب‌دیده	این حمله نزدیک به ۳۲۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر را کشت و نزدیک به ۷۰۰۰ هزار تا ۱۰۰۰۰ هزار نفر را زخمی کرد که اکثراً از غیرنظامیان بودند؛ صدها تن دیگر بر اثر عواقب، بیماری‌ها و نقص جسم در هنگام تولد در سال‌ها پس از حمله کشته شدند.
بازتاب رسانه‌ای فاجعه حلبچه در سطح جهانی	عکاسی	خبرنگاران ایرانی نقشی بسزا در اطلاع‌رسانی و ثبت تصاویر این جنایت دهشتناک برای جهانیان داشتند... #حلبچه

#### ۴-۱ روایتگری فاجعه حلبچه از قاب تویتر

در سی و سومین سالگرد فاجعه حلبچه، کاربران تویتر با استفاده از محتواهای متنی و تصویری اطلاع‌رسانی گسترده‌ای را در این زمینه انجام داده‌اند. این مضمون به چهار بخش خبررسانی، نسل‌کشی کردها، کشته شدن کودکان و مادر بوی سبب می‌آید، تقسیم شده است.

##### ۴-۱-۱ خبررسانی

ادبیات هشتگی به فعالان رسانه‌های اجتماعی این امکان را می‌دهد تا بتوانند یک موضوع را از جنبه‌های مختلف آن مورد واکاوی قرار دهند. پیام‌هایی که حول محور یک هشتگ منتشر می‌شوند بیانگر زمینه یک موضوع، تاریخچه آن، احساسات و ایده‌های مردم و همچنین دعوت به کنش در دنیای واقعی هستند (Moscato, 2016). کاربران تویتر در روایت آنچه در اسفند ۱۳۶۶ در حلبچه روی داد، به جنبه‌های مختلف این فاجعه اشاره

1. President #Barzani's standing to respect the martyrs of Halabja chemical attack. #Halabja #HalabjaGenocide.  
2. The Iraqi parliament commemorates the 33rd anniversary of the chemical weapons attack on #Halabja.

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ...؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۱۵

می‌کنند. کاربران فضای مجازی در توئیتر به خبررسانی در مورد فاجعه حلبچه که به آمار کشته‌ها و زخمی‌ها و اتفاقات جمعه خونین اشاره دارد، پرداخته‌اند؛ مانند توئیتر پیش رو: سی و سومین سالگرد حمله شیمیایی رژیم بعثی صدام حسین به غیرنظامیان کرد در شهر #حلبچه که موجب کشته شدن بیش از ۵ هزار نفر از جمله کودکان، افراد سالخورده، زنان و مردان شد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۴- نسل‌کشی کردها

علی‌رغم این که توئیتر شبکه‌ای است که در آن انتشار متنی محتوا بیشتر رواج دارد، ولی در ترسیم نسل‌کشی کردها در اسفند ۱۳۶۶ کاربران توئیتر به انتشار عکس‌های این فاجعه دست زده‌اند. کاربران از این تصاویر برای حک کردن تصویر حلبچه در حافظه تاریخ استفاده کرده‌اند. وال<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) اهمیت برخی از تصاویر را این‌گونه بیان کرده است: «برخی از تصاویر می‌توانند بر احساس و درک بیننده تأثیر بگذارند، انگار که اثری از آن‌ها در حافظه افراد باقی می‌ماند؛ مانند یک خالکوبی احساسی که درون و بیرون آن محو می‌شود... آن‌ها بر ما تأثیر می‌گذارند و می‌توانند تا آخر عمر با ما بمانند» (۴۷). روایت‌های تصویری حلبچه نیز به دنبال این رسالت هستند که تصویر این جنایت را در حافظه بشری ثبت کنند تا مانع از تکرار آن شوند. یکی از کاربران با تلفیق عکس‌های مختلف فاجعه حلبچه در یک قاب، روایتی تصویری از فاجعه حلبچه را به نمایش گذاشته است:

۱. الذکری السنویة آل ۳۳ للهجوم الکیماوی الذی شنه نظام صدام حسین البعثی ضد المدینین الکرد فی مدینة #حلبچه والتی راح ضحیتها اکثر من ۵ آلاف مدنی بین اطفال و شیوخ و نساء و رجال.



عکس ۱. نسل‌کشی در حلبچه

### ۳-۱-۴ کشته شدن کودکان

از دردناک‌ترین تصاویری که از فاجعه حلبچه به جا مانده است، تصاویر کودکان کشته شده است. بازنشر گسترده عکس کودکانی که به تنهایی یا در آغوش پدر یا مادرشان به شهادت رسیده‌اند، به کاربران توئیتر این امکان را می‌دهد در تصاویری مانند تصویر پیش رو بتوانند زاویه تاریک جنگ را به تصویر بکشند. تحلیل این عکس با روش نشانه‌شناسی رولان بارت به شرح ذیل است:

معنای صریح: کشته شدن کودکان بی‌گناه در بمباران شیمیایی حلبچه.

معنای ضمنی: چکمه‌هایی که به پای کودک هستند اشاره به آمادگی او برای رفتن به کوچه و بازی کردن دارند که مرگ این فرصت کودکی را از او می‌گیرد. همچنین، زاویه دوربین و جنازه‌هایی که در انتهای پله‌ها قرار گرفته‌اند، اشاره به تمام شدن زندگی و رسیدن به انتهای راه دارند. ناتمام ماندن حرکت کودک و معلق ماندن پاهای او در فاصله بین دو پله، اشاره به این دارد که علی‌رغم اینکه در آن روز این افراد شهید شده‌اند اما روایت حلبچه اینجا به پایان نمی‌رسد. تصویر به صورتی است که ذهن مخاطب را مشتاق به



کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... ؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۱۷

تکمیل حرکت می‌کند و اینکه حرکت بعدی شاید همین به اشتراک‌گذاری عکس در فضای مجازی برای آگاه کردن افکار عمومی جهانی باشد. همچنین تصویر بر بی‌رحمی حمله‌کنندگان به حلبچه که قاتلان این کودکان هستند و آن‌ها را از زندگی، بازی و کودکی بازداشته‌اند، دلالت دارد.



عکس ۲. کشته شدن کودکان بی‌گناه در حلبچه

#### ۴-۱-۴ مادر بوی سیب می‌آید

جمعه خونین حلبچه بوی سیب شیرین می‌داد و در آن روز آخرین جمله‌ای که کودکان به زبان آوردند این بود که «مادر بوی سیب می‌آید». کاربران توئیتر یکی از تلخ‌ترین خاطره‌های کردها از حلبچه را بوی سیب شیرین دانسته‌اند که آخرین جمله کودکان این

شهر را تداعی می‌کند. تعدادی از پست‌هایی که کاربران در این زمینه منتشر کرده‌اند به شرح ذیل هستند:

در آغاز بوی سیب شیرین در هوا وجود داشت، بچه‌ها در نگاه اول خوشحال شدند؛ اما در کمتر از یک دقیقه هزاران نفر را کشت. "مادر، بوی سیب می‌آید!" ما هیچ وقت حلبچه را فراموش نمی‌کنیم. #نسل‌کشی\_حلبچه<sup>۱</sup>  
"مادر بوی سیب می‌آید" در تاریخ به عنوان آخرین کلمه کودکانی که در آن روز به قتل رسیدند نوشته شد... #حلبچه<sup>۲</sup>

یکی از آیین‌هایی که سالیانه در حلبچه برگزار می‌شود آشتی کردها با سیب‌هاست. تصویر ۳ که در ادامه ارائه شده است به این مسئله اشاره دارد. معانی صریح و ضمنی این عکس به شرح ذیل است:

معنای صریح: بزرگداشت سالروز شیمیایی حلبچه توسط مردم.  
معنای ضمنی: گاز شیمیایی که در آن زمان بر سر مردم حلبچه ریختند، بوی سیب شیرین می‌داد. آشتی کردها با سیب‌ها به صورت نمادین اشاره به این دارد که مردم حلبچه در تلاش هستند که علی‌رغم همه آسیب‌هایی که فاجعه حلبچه به آن‌ها زده است به زندگی ادامه دهند. کردها با سیب‌ها آشتی می‌کنند زیرا می‌خواهند معنای مرگ را از نمادهای آن روز سیاه پاک کنند و از آن‌ها پلی برای زندگی بسازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. At the beginning there was a sweet apple scent in the air, the children became cheerful at first sight. But it killed thousands in less than a minute. "Mom, there is an apple scent!" We will never forget Halabja. #HalabjaGenocide.

2. "Daye bîhna sêva tê" O gün katledilen çocukların son sözü olarak tarihe yazıldı... #Halepce



عکس ۳. آشتی کردها با سیبها

## ۴-۲ تجلی نمادگرایی در کنشگری مجازی با بازنشر عکس عمر خاور و

### فرزندش

در کنشگری آنلاین معمولاً یک نماد مرکزی وجود دارد که محور اصلی بحث‌های کنشگران مجازی را تشکیل می‌دهد؛ این نماد اصلی ممکن است در قالب یک عکس، فیلم، نقاشی، گرافیک و حتی یک شعار متجلی شود. در بحث از شیمیاباران حلبچه حتی پیش از این که فضای مجازی ظهور کند عکس عمر خاور و فرزندش به مثابه نماد اصلی این فاجعه پذیرفته شده بود. نمادگرایی در مورد فاجعه حلبچه در توئیتر به دو صورت بازنشر عکس عمر خاور و فرزندش و عکس‌هایی از تندیس‌های عمر خاور و فرزندش در حلبچه نمود پیدا کرده است.

### ۱-۲-۴ بازنشر عکس عمر خاور و فرزندش

کاربران توئیتر در تکمیل توئیتهای متنی که منتشر کرده‌اند از عکس عمر خاور و فرزندش استفاده کرده‌اند تا بتوانند رنج عظیمی را که این فاجعه برای مردمان این دیار بر جا گذاشته است در قالب یک نماد ترسیم کنند. این عکس توسط یک عکاس ایرانی به نام احمد ناطقی به ثبت رسیده است. احمد ناطقی لحظه به ثبت رسیدن عکس و راز ماندگاری آن را این گونه توصیف می‌کند: «مردی با لباس کردی درحالی که صورت خود را با چفیه پوشانده کودکی شیرخوار را در آغوش گرفته بود و معلوم بود لحظاتی پیش هر دو جان داده‌اند. صورت کودک آنقدر زیبا و معصوم بود که انگار در خوابی شیرین پس از خوردن شیر مادر به سر می‌برد. این عکس یکی از عکس‌های تاریخی جهان شد و با وجود آن که عکاسان زیادی از این صحنه عکس گرفتند ولی جاودانگی این عکس به چند دلیل شکل گرفت: نخست آنکه عکس لحظاتی پس از فاجعه ثبت شده است و عکس‌های دیگران و خبرنگاران خارجی دو روز پس از فاجعه و زمانی که قربانیان تغییر شکل داده و بر اثر عملیات پاک‌سازی صورتشان از گردهای سفید پوشانده شده بود، گرفته شده است و از سوی دیگر این مرد که بعدها فهمیدم نامش عمر خاور است، از هنرمندان شهر بوده و فرم این عکس آن را تبدیل به تندیس یادبود حلبچه کرده و در چند نقطه شهر نصب کرده‌اند» (رجانیوز، ۱۳۹۷). معانی ضریح و ضمنی این عکس به شرح ذیل است:

معنای ضریح: یک پدر درحالی که کودک خردسالش را در آغوش گرفته است در اثر استنشاق گازهای سمی شهید شده است.

معنای ضمنی: پدر و مادر در این عکس نمادی از محافظ که در معنای گسترده‌تر به وطن، خاک و سرزمین اشاره دارند، هستند که به آن تعدی شده است. صورت پوشیده عمر خاور بیانگر این واقعیت است که تصویر واقعی کشتار حلبچه ارائه نشده است و زوایایی از این مسئله بر ما هنوز هم پوشیده هستند، زیرا چهره هر فرد اصلی‌ترین جزئی است که احساسات واقعی او را نشان می‌دهد. عمر خاور خودش را به حالت جنینی دور فرزندش خم کرده است. استفاده از این ژست بیانگر پاکی فرد در دوره جنینی است و

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ...؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۲۱

اینکه عمر و خاور و فرزندش هر دو مانند در اوج بی گناهی و معصومیت شهید شدند. چهره کودک به حالتی قرار گرفته است که رو به آسمان است و چون دهانش باز است گویی در حال بیان کردن سخنی همچون طلب عدالت از خداوند است.



عکس ۴. عکس عمر خاور و فرزندش نمادی برای حلبچه

در اینجا می بینیم که چگونه یک تصویر با چنین قدرت تحولی تبدیل به نمادی از یک مسئله جدی اجتماعی می شود؛ قدرتی که یک تصویر در دگرگونی جهان به دست می آورد فقط حاصل بازنمایی اش از واقعیت بیرونی نیست، بلکه بعد نمادینی که این تصویر پیدا می کند باعث تحول آفرین شدن آن می شود. عکس عمر خاور و فرزندش در هنگام تبدیل شدن به محور بحث های کنشگران آنلاین از یک نماد معمولی خارج می شود و بار معنایی وسیع تری پیدا می کند و به صورت های مختلفی در بین کاربران آنلاین بازنشر می شود. آندرس دل کمپو و دیگران (۲۰۱۶) از این گونه تصاویر به عنوان «تصاویر تحول آفرین» نام می برند که تبدیل به نمادی از یک مسئله جدی اجتماعی می شوند. در ادامه پستی که یکی از کاربران توئیتر در این زمینه منتشر کرده است ارائه می شود:



عکس ۵. توئیت کاربران برای توصیف عکس عمر خاور و فرزندش

## ۲-۲-۴ تصویر تندیس‌های عمر خاور و فرزندش در حلبچه

عکس عمر خاور و فرزندش تنها نمادی از یک فاجعه در حلبچه نیست، این عکس تبدیل به یک نماد هویتی برای حلبچه شده است. از این عکس تندیس‌های مختلفی در سراسر حلبچه ساخته‌اند و از این طریق تلاش شده است هویت تاریخی شهر زنده نگه داشته شود. کاربران توئیت نیز تأکید زیادی بر بازنشر عکس‌هایی از تندیس عمر خاور و فرزندش در حلبچه داشته‌اند تا از این طریق به اهمیت این نماد اشاره کنند. معانی صریح و ضمنی این عکس به این شرح است:

معنای صریح: ساخته‌شدن تندیس‌هایی از عکس عمر خاور و فرزندش در نقاط مختلف شهر حلبچه.

معنای ضمنی: فاجعه حلبچه به هویت تاریخی شهر حلبچه تبدیل شده است. قرار گرفتن این تندیس در یک محیط سبز و آباد اشاره به این دارد که شهر حلبچه در حین اینکه رنج تاریخی خود را به یاد دارد، به رویش، زندگی و بالندگی خود ادامه می‌دهد.



عکس ۶. تندیس عکس عمر خاور و فرزندش در شهر حلبچه

### ۳-۴ فراموش نکردن فاجعه حلبچه

کاربران توئیتر هنگام ذکر فاجعه حلبچه تأکید زیادی بر عدم فراموشی آن داشته‌اند. دلیل اصلی این حجم بالا از تأکید بر عدم فراموشی فاجعه حلبچه به فراموشی این فاجعه در سال ۱۳۶۶ بازمی‌گردد که باعث شد کردهای عراق در آن زمان نتوانند حمایت‌های لازم را از جامعه جهانی دریافت کنند. در ادامه، اصلی‌ترین محورهای بحث کاربران توئیتر در این زمینه بیان می‌شوند.

#### ۱-۳-۴ فراموش نمی‌کنیم

کاربران توئیتر به کرات بر این نکته پافشاری کرده‌اند که «حلبچه را فراموش نمی‌کنیم». بخشی از قدرت کردها در یادآوری فاجعه حلبچه و فراموش نکردن آن، به استفاده آن‌ها از رسانه‌های اجتماعی باز می‌گردد که به آن‌ها این فرصت را می‌دهد تا با استفاده از امکانات متعددی که این فضا در اختیار آن‌ها قرار داده است تصویر فاجعه حلبچه را برای جهانیان ترسیم کنند. یکی از کاربران با ارجاع دادن فاجعه حلبچه به سایر جنایت‌هایی که صدام در

قبال کردهای عراق مرتکب شده است، بر این نکته تأکید داشته است که هیچ کدام از این فجایع را نباید فراموش کرد:

هرگز فراموش نکنید. هرگز نسل‌کشی حلبچه را فراموش نکنید. کمپین انفال را هرگز فراموش نکنید. هرگز کارهایی را که صدام حسین با کردها انجام داده فراموش نکنید. هرگز فراموش نکنید که این همچنان برای مردم ما اتفاق می‌افتد. #نسل‌کشی\_حلبچه<sup>۱</sup>

یکی دیگر از کاربران با ترکیب جمله «هرگز فراموش نمی‌کنیم» با تصاویری از نمادهای فاجعه حلبچه نظیر عکس عمر خاور و فرزندش، موزه حلبچه و مزارهای شهدای حلبچه بر این نکته تأکید داشته است که این نمادهای بصری به کردها کمک می‌کنند که فاجعه حلبچه را همواره به یاد آورند. از سوی دیگر در یکی از عکس‌هایی که این کاربر منتشر کرده است تصویری از عکاسانی وجود دارد که در حال ثبت تصاویری از پیکر عمر خاور و فرزندش هستند. تلفیق این عکس با جمله «فراموش نمی‌کنیم» تأکید بر این است که عکس‌هایی که عکاسان در آن زمان از شهیدان حلبچه به ثبت رسانده‌اند نقش زیادی در ثبت تاریخی این فاجعه و عدم فراموشی‌اش داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. Never forget. Never forget the Halabja Genocide. Never forget the Anfal campaign. Never forget the things Saddam Hussein did to the Kurds. Never forget that this is still happening to our people. #HalabjaGenocide





عکس ۷. توئیٹ کاربران در فراموش نکردن حلبچه

## ۲-۳-۴ شنیده نشدن صدای حلبچه

یکی از اصلی‌ترین دلایلی که تعدادی زیادی از توئیٹ‌ها به فراموش نکردن حلبچه اختصاص یافته‌اند این است که صدای حلبچه در سال ۱۳۶۶ به گوش جهانیان نرسید. جامعه جهانی در آن زمان واکنش شایسته‌ای به این فاجعه نشان نداد و در برابر ظلمی که صدام در قبال مردم حلبچه روا داشت، سکوت کرد. با توجه به این که توئیٹر پلتفرمی است که در آن به محتوای سیاسی و اجتماعی بیشتر توجه می‌شود، به این بُعد سیاسی فاجعه حلبچه در توئیٹر بیشتر توجه شده است و کاربران با انتشار توئیٹ‌های مختلفی سکوت جامعه جهانی در برابر جنایات صدام را محکوم کرده‌اند. توئیٹ‌هایی نظیر «در چنین روزی #حلبچه را خفه کردند» و یا «#حلبچه با سکوت معناداری دفن شد» بخشی از کنشگری فعالان مجازی است که سکوت جهان در برابر فاجعه حلبچه را سرزنش کرده‌اند. در ادامه چند مورد از توئیٹ‌های منتشر شده در این خصوص ارائه شده است:

فراموش شدن #حلبچه و آنچه از جنایت جنگی در آن رخ داد، مثال بسیار خوبیست برای این که ثابت شود سازمان‌های بین‌المللی و #حقوق\_بشری صرفاً در حد اسم و پرکردن ویتترین چماغ‌های ابرقدرت‌ها هستند.

امروز ۲۵ اسفند، سالروز بمباران شیمیایی #حلبچه است، جنایتی که صدای قربانی‌هاش هیچ وقت اونطور که باید شنیده نشد شاید هم نخواستن که شنیده بشه.

#### ۴-۴ بانیان نسل‌کشی حلبچه

همان‌طور که اشاره شد در ردیابی عاملان اصلی فاجعه حلبچه کاربران مجازی دو مورد را از هم تفکیک کرده‌اند که شامل صدام و کشورهای غربی هستند.

##### ۴-۴-۱ صدام

کاربران توئیتر با اشاره به دشمنی صدام با کردهای عراق به جنایات وی اشاره کرده‌اند و فاجعه حلبچه را تنها بخشی از اقداماتی دانسته‌اند که صدام در راستای دشمنی با کردها انجام داده است. در این زمینه یکی از کاربران توئیت ذیل را منتشر کرده است:

در ۱۶ مارس ۱۹۸۸، در آستانه نوروز، رژیم فاشیست بعثی صدام حسین جنایت وحشتناکی علیه کردها در منطقه حلبچه اقلیم کردستان، انجام داد.<sup>۱</sup>

##### ۴-۴-۲ کشورهای غربی

کاربران توئیتر بر این عقیده هستند که ماشه اصلی شلیک بمب‌های شیمیایی به حلبچه را دولت‌ها و شرکت‌های غربی کشیده‌اند که سلاح‌های شیمیایی را به صدام فروخته‌اند. فعالان مجازی در توئیتر، مجازات نشدن دولت‌ها و شرکت‌هایی که سلاح‌های شیمیایی را به صدام فروخته‌اند نکوهش کرده‌اند و ابراز امیدواری کرده‌اند که روزی این دولت‌ها و شرکت‌ها به دلیل حمایت از صدام و تجهیز او محکوم شوند. در ادامه نمونه‌هایی از توئیت‌هایی که در این زمینه منتشر شده‌اند، ارائه می‌شوند:

۱. فی ۱۶ آذار ۱۹۸۸، فی عشية عيد نوروز، ارتكب نظام صدام حسين البعثي الفاشي جريمة مروعة بحق الكرد في منطقة حلبجة - إقليم كردستان.

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... ؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۲۷

غرب خصوصاً آلمان، صدام رو به سلاح شیمیایی مجهز کردن صدام هم بارها مرتکب جنایت جنگی شد از جمله در سردشت و حلبچه. آمریکا و غرب واکنشی جز سکوت نداشتن. چندسال بعد همین آمریکا به عراق به بهانه سلاح شیمیایی حمله میکنه. #حقوق\_بشر\_آمریکایی بوی تعفن میده.  
همچنان به این جنایات و فروشنده سلاح‌های شیمیایی که #آلمان است رسیدگی نشده. امید است روزی این پرونده موردبررسی قرار بگیرد.

تعدادی از کاربران نیز از محتواهای تصویری و به‌ویژه کاریکاتورها برای بیان این نقد استفاده کرده‌اند. برای نمونه یکی از کاربران با انتشار این تصویر نشان داده است که عامل اصلی بمب‌هایی که بر سر مردم حلبچه ریختند و جنایاتی که در آنجا اتفاق افتادند غرب و به‌ویژه آمریکا بوده است. در ادامه معانی صریح و ضمنی یکی از تصاویری که در این زمینه ارائه شده، شرح داده شده است:

معنای صریح: کشتار دسته‌جمعی مردم حلبچه با گازهای شیمیایی.  
معنای ضمنی: همان‌طور که پیش‌ازین بیان شد گاز شیمیایی که بر سر مردم حلبچه ریختند بوی سیب شیرین می‌داد، در این تصویر دیده می‌شود که درون سیب شیرین پرچم آمریکا قرار دارد که اشاره به همدستی کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا با صدام در حمله شیمیایی به مردم حلبچه دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



عکس ۸. کاریکاتوری از بانیان اصلی کشتار حلبچه

#### ۴-۵ حلبچه به مثابه درد مشترک

کاربران توئیتر از حلبچه به مثابه درد مشترک یاد کرده‌اند که از یک سو به درد مشترک کردها و از سوی دیگر به درد مشترک بشریت تبدیل شده است.

#### ۴-۵-۱ حلبچه، درد مشترک کردها

کردستان، مناطقی جغرافیایی در خاورمیانه است که در آن کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه همگرا هستند و اکثریت مردم آن کرد هستند. همچنین تعداد قابل توجهی از کردها در استان خراسان در شرق دریای خزر و مرکز آناتولی وجود دارند. تعداد زیادی از کردها نیز در سه شهر بزرگ ترکیه یعنی استانبول، آنکارا و ازمیر زندگی می‌کنند. علاوه بر این کردها در ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان زندگی می‌کنند (Gunter, 2009: xxvii & xxviii). کاربران توئیتر حلبچه را درد مشترک همه کردها در هر جای جهان معرفی کرده‌اند و آن را شناسنامه مشترک کردها در نظر گرفته‌اند. نمونه‌ای از توئیتهای در این زمینه:

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ...؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۲۹

بعد از ۳۳ سال، شانزدهم مارس هنوز برای ما کردها یک روز تاریک باقی مانده است... روزی که هرگز فراموش نخواهد شد # حلبچه<sup>۱</sup>  
عمیق‌ترین زخم‌ها برای هر فرد کرد.<sup>۲</sup>

## ۲-۵-۴ حلبچه درد مشترک همه بشریت

کاربران توئیتر حلبچه را دردی مشترک برای همه انسان‌ها معرفی کرده‌اند. هدف از طرح این موضوع از سوی فعالان آنلاین این است که جامعه جهانی باید در برابر اتفاقاتی که روی می‌دهند، مسئول باشد و حقوقی برابر برای همه انسان‌ها در نظر بگیرد. در ادامه به چند توئیٹ در این زمینه اشاره می‌شود:

این تصویر وحشتناک و دلخراش را نباید فراموش کرد یا پاک کرد، نه تنها از یاد کردها و بقیه عراقی‌ها، بلکه حتی از یاد هر فرد صلح‌جو در سراسر جهان که جنایات علیه بشریت را محکوم می‌کند.<sup>۳</sup>  
جهان باید متحد شود تا سلاح‌های کشتار جمعی را از بین ببرد و از نسل‌کشی دیگری جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

## ۶-۴ جابه‌جایی بین مرزهای آنلاین و آفلاین کنشگری

هرسال در سالروز فاجعه حلبچه، کنشگران کرد در هر دو فضای آنلاین و آفلاین کنش‌هایی را برای زنده نگه‌داشتن جمعه خونین شهر حلبچه برگزار می‌کنند. بسیاری از کاربران توئیتر با بازنشر تصاویری از کنش‌هایی که در فضای واقعی توسط نخبگان یا مردم عادی برای زنده نگه‌داشتن یاد حلبچه صورت گرفته‌اند، بین مرزهای آنلاین و آفلاین کنشگری ارتباط برقرار کرده‌اند.

1. 33 years later, the 16th of March still remains a dark day for us Kurds... a day which will never be forgotten #Halabja

2. The deepest of wounds for every Kurdish individual.

۳. هذه الصورة المأسوية المرعبة يجب ان لا تنسى ولا تمحي ليس من ذاكرة الاكراد فحسب ولا ذاكرة من بقیة العراقيين، بل حتى من ذاكرة كل انسان حول العالم محب للسلام ومندد بالجرائم ضد الانسانية.

4. The world must unite to eliminate WMDs and prevent another genocide.

### ۱-۶-۴ مردم عادی

دالگرن<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) می‌نویسد: «ما می‌توانیم و باید همواره بین زمینه‌های آفلاین و آنلاین تمایز قائل شویم، اما زندگی ما وابسته به درهم‌تنیدگی آنهاست. این دو بُعد درهم‌تنیده شده‌اند و از هم جدا نمی‌شوند» (۳۸). بخشی از فعالیت‌هایی که بر محور سی و سومین سالگرد فاجعه حلبچه در فضای مجازی شکل گرفته‌اند اشاره به کنش‌هایی دارند که افراد در فضای واقعی در پاسداشت این روز انجام داده‌اند. تعدادی از کاربران عکس‌هایی را از حضور مردم در تجمع‌هایی که در این روز برگزار شده‌اند، در توئیتر به اشتراک گذاشته‌اند. یکی از این توئیت‌ها به شرح ذیل است:



عکس ۹. حضور مردم در گرامیداشت سالروز حلبچه

بخش دیگری از کنش‌هایی که مردم در فضای واقعی در سالروز فاجعه حلبچه انجام داده‌اند، تصرف نمادین آثار به‌جامانده از سرکوب‌های صدام است. در ادامه یک نمونه از این توئیت‌ها به همراه یکی از عکس‌هایی که کاربران در این زمینه به اشتراک گذاشته‌اند، ارائه شده است:

1. Peter Dahlgren

کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... ؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۳۱

صدام می‌خواست همه کردها و میراث آن‌ها را نابود کند. ۳۳ سال بعد  
بچه‌های کرد در حال بازی با بقایای نظامی‌اش هستند. # حلبچه<sup>۱</sup>

عکسی که کاربران در این زمینه منتشر کرده‌اند به شرح ذیل است که معانی صریح و ضمن  
آن به شرح ذیل است:

معنای صریح: مردم حلبچه در قسمتی از شهر که بقایای حمله نظامی به حلبچه در آن  
قرار دارند، جمع شده‌اند.

معنای ضمنی: کاربران با انتشار عکس‌هایی از کودکانی که در حال بازی با  
تانک‌های به‌جامانده از حملات صدام به حلبچه هستند، بر این نکته تأکید داشته‌اند که  
علی‌رغم تمام اقدامات صدام برای نابودی مردم کرد، اما امروز کودکان حلبچه \_ که نماد  
رویش دوباره هستند \_ آثار به‌جامانده از این سرکوب را تبدیل به اسبابی برای بازی‌هایشان  
کرده‌اند.



عکس ۱۰. بازی کودکان با بقایای نظامی دولت صدام

1. Saddam wanted to kill all Kurds and their heritage. 33 years later Kurdish kids having fun dismantling his fighters. #Halabja.

## ۲-۶-۴ سازمان‌ها و نخبگان

بخشی از کنشگری کردها در فضای واقعی به اقداماتی اشاره دارد که نهادهای رسمی نظیر دولت عراق، دولت اقلیم کردستان، مجلس، دانشگاه‌ها و نهادهای مسئول در حلبچه در سالروز فاجعه حلبچه برای گرامیداشت این روز انجام داده‌اند. از جمله:

ادای احترام رئیس # بارزانی به شهدای حمله شیمیایی حلبچه. # حلبچه #

نسل‌کشی-حلبچه<sup>۱</sup>.

## ۴-۷ پیگیری رد رنج این درد از چهره بازماندگان

کاربران توئیتر بازماندگان حلبچه را که رد رنج‌های ۳۳ سال پیش را باید در چهره آن‌ها جست به دو دسته اصلی تقسیم کرده‌اند؛ افرادی که عزیزانشان را از دست داده‌اند و کسانی که جسم و روانشان آسیب دیده است.

### ۱-۷-۴ در سوگ عزیزان

از حلبچه تنها تصویر تلخی که باقی مانده است، بازمانده‌ای است که با چشمانی اندوهگین به گورستان حلبچه خیره شده است. معلوم نیست که این نگاه به کدام مزار می‌نگرد، زیرا اکثر ساکنان حلبچه در جمعه خونین این شهر بیش از یک نفر را ازدست داده‌اند؛ همچون عکس پیش رو که معانی صریح و ضمنی آن به این شرح است:

معنای صریح: یک پیرمرد کرد در حال قدم زدن در گورستان حلبچه است.

معنای ضمنی: خمیده بودن قامت پیرمرد اشاره به رنج عمیقی دارد که فاجعه حلبچه بر دوش مردم این شهر گذاشته است. از سوی دیگر، نامشخص بودن مقصد پیرمرد و اینکه معلوم نیست قرار است بر سر کدام مزار توقف کند، اشاره به این دارد که هر کدام از مردم حلبچه در این روز چندین نفر از عزیزانشان را ازدست داده‌اند. تصویری که از مزارهای یک شکل ارائه شده است، می‌تواند تداعی‌کننده نواخته شدن سمفونی مرگ در این گورستان باشد که تنها خاطره باقی مانده از آمار بالای کشته‌های آن روز است؛ اما دلالت

1. President #Barzani's standing to respect the martyrs of Halabja chemical attack. #Halabja #HalabjaGenocide.



کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی ... ؛ محمدی نوسودی و بیچرانلو | ۳۳

مهم دیگر در این عکس این است که نمادهای مرگ در آن با نمادهای زندگی نظیر روییدن سبزه‌ها، قامت برافراشته کوه‌ها و آمادگی درختان برای جوانه زدن ترکیب شده‌اند که بر این دلالت دارد که صدام نتوانسته است روحیه زندگی و حیات را از حلبچه بگیرد.



عکس ۱۱. حضور مردم بر مزار قربانیان حلبچه

## ۲-۷-۴ افراد آسیب‌دیده

یکی از مواردی که کاربران توئیتر به آن تأکید داشته‌اند اشاره به افرادی است که در اثر فاجعه حلبچه، جسم و روانشان آسیب‌دیده است. بازماندگان در این شهر تاکنون به دلیل اثرات طولانی مدت مواد شیمیایی مورد استفاده در بمباران شهر، از انواع مشکلات بهداشتی از خفیف تا شدید و کشنده رنج می‌برند (Hama et al, 2008). کاربران با اشاره به وضعیت این افراد این نکته را متذکر شده‌اند که حلبچه در یک روز به پایان نرسیده است و عواقب آن هنوز هم مردمان این شهر را تهدید می‌کنند. حتی نسل‌هایی که سال‌ها بعد نیز به دنیا آمده‌اند از آسیب‌های این فاجعه در امان نبوده‌اند و هنوز هم زیان‌های خطر آفرین که در آن‌ها کودکانی با نقص‌های مادرزادی به دنیا می‌آیند، در حلبچه کم نیستند. توئیتر یکی از کاربران در این زمینه به شرح ذیل است:

مردم حلبچه همچنان از عواقب طولانی‌مدت روان‌شناختی، بهداشتی و زیست‌محیطی حمله شیمیایی رنج می‌برند.<sup>۱</sup>

#### ۸-۴ بازتاب رسانه‌ای فاجعه حلبچه در سطح جهانی

امروزه رسانه تبدیل به واسطه شناخت ما از جهان شده است. در بسیاری از موارد ما جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم از طریق تصاویری که از رسانه‌ها منتشر می‌شوند، می‌شناسیم. عکس‌ها نقش مهمی در ثبت درگیری‌های سیاسی، جنگ‌ها، فجایع و رویارویی‌ها دارند (de-Andrés-del-Campo et al, 2016). یکی از سوژه‌هایی که کاربران توئیتر نیز بر آن تأکید داشته‌اند نقش رسانه در بازنمایی فاجعه حلبچه است. تصاویری که در آن یک یا چند عکاس در حال ثبت عکس‌های شهدا هستند، نمونه‌هایی از این موارد هستند. با توجه به اینکه عکس عمر خاور و فرزندش تبدیل به نمادی از این فاجعه شده است، ثبت صحنه‌هایی که عکاسان در حال عکس‌برداری از پیکر بی‌جان عمر خاور و فرزندش هستند، نشان‌دهنده اهمیت است که رسانه در ثبت این تصاویر در حافظه تاریخی ملل دارد. یکی از کاربران در اشاره به این مسئله، توئیٹ پیش رو را منتشر کرده است که معانی صریح و ضمنی آن به این شرح است:

معنای صریح: عکاسی و پوشش رسانه‌ای نسل‌کشی در حلبچه.

معنای ضمنی: در این عکس، دو سوژه عمر خاور و فرزندش و عکاس مشاهده می‌شوند که یک فضای خالی عمیق بین آن‌ها قرار گرفته است، این فضای خالی بیانگر فاصله رسانه از واقعیت و سوگیری رسانه‌ها در پرداختن به به واقعیت‌ها است. از سوی دیگر، خونسردی عکاس در ثبت عکس مرگ یک انسان، بیانگر این است که این جنایت برای رسانه، سوژه جذابی است.

---

1. The people of Halabja continue to suffer from the long-term psychological, health, and environmental consequences of the poison gas attack.



عکس ۱۲. توئیٹ کاربران در زمینه نقش عکاسی در ثبت حلبچه

##### ۵- نتیجه گیری

این مقاله به مطالعه کنشگری هشتگی کاربران توئیتر بر محور سی و سومین سالگرد شیمیاباران حلبچه پرداخته است. فضای مجازی تبدیل به میدانی برای کنشگری شده است که می توان آن را به مثابه حوزه عمومی جایگزین در نظر گرفت. در این فضا بحث ها در مورد مسائل و موضوعات مختلف در جریان هستند و می توانند گفتمان هایی را در فضای عمومی بسط دهند. نتایج این مقاله نشان می دهند که امکانات رسانه های اجتماعی به کردها این فرصت را داده اند تا در مورد یکی از تجربه های تاریخی دشوارشان در بستری جهانی به بحث و گفت و گو پردازند. علی رغم اینکه در سال ۱۹۸۸ در مورد فاجعه حلبچه در اذهان جهانی و حتی بین خود کردها تصویر واضحی از جنایات صدام شکل نگرفت ولی با گسترش رسانه های اجتماعی، قربانیان این امکان را پیدا کرده اند که اسناد مربوط به این

فاجعه را به صورت گسترده در فضای مجازی منتشر کنند و افکار عمومی جهانی را به تأمل در مورد آنچه در حلبچه روی داده است، قراخوانند.

گفت‌وگوی سازنده در مورد مسائل مربوط به قومیت‌ها، شاید در کوتاه‌مدت تغییر فوری به همراه نداشته باشد، اما در درازمدت می‌تواند گفتمان‌هایی را در حوزه عمومی بسط دهد که توانایی تحول جهان را به کنشگران می‌دهند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر مؤید این نکته هستند که رسانه‌های اجتماعی برای کردها واجد ویژگی‌های پور حاضر (۲۰۰۵) برای یک حوزه عمومی جایگزین آنلاین برشمرده است، هستند. رسانه‌های اجتماعی در مسئله حلبچه تبدیل به فضاهایی گفتمانی می‌شوند که در آن طیف وسیعی از علاقه‌مندان به این موضوع از کشورهای مختلف می‌توانند گرد هم آیند و در مورد مسائل آن بحث کنند. در این بین نگاه سیاسی به این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین ایده‌های طرح شده در این زمینه بر اساس شایستگی موضوع مورد بحث قضاوت و بازنشر می‌شوند.

در توئیتر، حلبچه یک دغدغه مشترک بشری است که تمام انسان‌ها در برابر آن مسئول هستند. در توئیتر به بُعد سیاسی مسئله حلبچه بیشتر توجه می‌شود و پیامدهایی که مبارزان شیمیایی حلبچه در اکنون جامعه کردها بر جای گذاشته است، واکاوی می‌شوند. برای نمونه اشاره به عدم محکومیت شرکت‌ها و دولت‌هایی که به صدام مواد شیمیایی فروخته‌اند، تأکید بر عدم فراموشی حلبچه، پرداختن به وضعیت افرادی که آسیب‌دیده‌اند و بازنمایی گسترده حضور در کنش‌های آفلاین از مواردی هستند که کاربران برای نشان دادن اهمیت فاجعه حلبچه در اوضاع کنونی بیان کرده‌اند. در توئیتر، پرونده حلبچه همچنان باز است و با بازخوانی آن از زاویه اکنون، گفتمان تازه‌ای در این زمینه می‌روید و شکوفا می‌شود.

## منابع

- بارت، رولان. (۱۳۸۹). پیام عکس. ترجمه راز گلستانی فرد. تهران: نشر مرکز.
- حسینی خوی، رحمان. (۱۳۹۸). «بمباران شیمیایی حلبچه، سند همراهی آمریکا علیه کردها». خبرگزاری صداوسیما. دریافت شده در تاریخ ۶ فروردین ۱۴۰۰ از: <https://www.iribnews.ir/00BCdX>
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۱). «نظریه و پژوهش در روش‌های کیفی». فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۷.
- رجانیوز (۱۳۹۷). «روایت‌های تکان‌دهنده از فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه توسط دکتر احمد ناطقی». دریافت شده در تاریخ ۶ فروردین ۱۴۰۰ از: <http://www.rajanews.com/news/311105>
- عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- لیندلف، تامس، و تیلور، برایان. (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: همشهری.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: جامعه‌شناسان.
- Ahmed, S., Jaidka, K., & Cho, J. (2016) "Tweeting India's Nirbhaya protest: a study of emotional dynamics in an online social movement". *Social Movement Studies*: 1-19. 2.
- Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2012). "The Logic of Connective Action". *Information, Communication & Society*, 15(5), 739-768.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Caleffi, P. M. (2015). "The 'hashtag': A new word or a new rule?" *SKASE Journal of Theoretical Linguistics*, 12(2).
- Cammaerts, B. (2007). "Activism and media". In B, Cammaerts., & N, Carpentier (eds). *Reclaiming the media: communication rights and democratic media roles* (217-224). Bristol, UK: Intellect Books.

- Cammaerts, B. (2015). "Social media and activism". In R, Mansell., & P, Hwa (Eds.). *The International Encyclopedia of Digital Communication and Society* (1027-1034). Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
- Dadas, C. (2017). "Hashtag Activism: The Promise and Risk of 'Attention'". *Social Writing/ Social Media: Publics, Presentations, Pedagogies*, 17-36.
- Dahlberg, L. (2001). "Computer-mediated communication and the public sphere: A critical analysis". *Journal of Computer-Mediated Communication*, 7 (1).
- Dahlgren, P. (2013). "The political web: Media, participation and alternative democracy". Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- de-Andrés-del-Campo, S., Nos-Aldas, E., & García-Matilla, A. (2016). "The transformative image. The power of a photograph for social change: The death of Aylan". *Comunicar. Media Education Research Journal*, 24(1).
- Oloyede, F., & Elegba, A. A. (2019). "Exploring Hashtag Activism in Nigeria: A case of # EndSars Campaign". In Conference Proceeding: 5th In Communication and Media Studies (CRPC 2018), Famagusta, Turkish Republic of Northern Cyprus.
- Ferrer, A. F., & Retis, J. (2019). "Ethnic minority media: Between hegemony and resistance". *Journal of Alternative & Community Media*, 4(3), 1-13.
- Gunter, M. M. (2009). "The A to Z of the Kurds". Lanham, MD; Toronto; Plymouth, UK
- Habermas, J. (1989). "The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society". Cambridge, MA: MIT Press.
- Hama, S. A., Al-Jaff, B. M., & Mahmud, B. M. (2008). "The effect of chemical warfare agents on the immune system of survivors in Halabja". In International conference on Genocide against the Kurdish people (pp. 179-183).
- Harlow, S. (2012). "Social Change and Social Media: Latin American Activists' Use of Digital Tools in the Face of the Digital Divide". Presented at the the 2012 Congress of the Latin American Studies Association, San Francisco, California.
- Jackson, E. (2015). "Fan Activism: Exploring Fan Activism as the Convergence of Social Activism and Fandom Communities in Online Spaces", M.A Thesis. The University of Edinburgh.
- Jordan, T. (2002). "Activism: direct action, hacktivism and the future of society". London: Reaktion Books Ltd.

- Joyce, M. (2010). *Digital Activism Decoded: The New Mechanics of Change*. New York: international debate education association.
- Lowrey, W., & Anderson, W. (2005). "The journalist behind the curtain: Participatory functions on the Internet and their impact on perceptions of the work of journalism." *Journal of Computer-Mediated Communication*, 10(3), article 13.
- McCaughey, M. & Ayers, M. D. (2003). *Introduction*. In McCaughey, M & Ayers M. D. (eds.) *Cyberactivism: online activism in theory and practice*. New York: Routledge, pp. 1-24.
- Meikle, G. (2010). "Intercreativity: Mapping Online Activism". In Hunsinger, J., Klastrup, L. & Allen, M. (eds.) *International Handbook of Internet Re-search*. Dordrecht: Springer, pp. 363-377
- Meikle, G. (2002). *Future active: media activism and the Internet*. London: Routledge.
- Moscato, D. (2016). "Media portrayals of hashtag activism: A framing analysis of Canada's # IdleNoMore movement". *Media and Communication*, 4(2), 3.
- Ofori-Parku, S. S., & Moscato, D. (2018). "Hashtag Activism as a Form of Political Action: A Qualitative Analysis of the # BringBackOurGirls Campaign in Nigerian, UK, and US Press". *International Journal of Communication*, 12, 23.
- Papacharissi, Z. (2004). Democracy online: Civility, politeness, and the democratic potential of online political discussion groups. *New media & society*, 6(2), 259-283.
- Paulussen, S. (2004). "Online news production in Flanders: How Flemish online journalists perceive and explore the Internet's potential". *Journal of Computer-Mediated Communication*, 9(4).
- Poor, N. (2005). "Mechanisms of an online public sphere: The website Slashdot". *Journal of computer-mediated communication*, 10(2), JCMC1028.
- Ricketts, A. (2012). *The Activists' Handbook: A step-by-step guide to participatory democracy was*. New York: Zed Books.
- Schäfer, M. S. (2015). "Digital public sphere. *The international encyclopedia of political communication*, 1-7.
- Sheyholislami, J. (2011). *Kurdish identity, discourse, and new media*. Springer.
- Torelli, S. M. (2017). *Kurdisdtan. An Invisible Nation*. Edizioni Epoké.
- Valle, J.M. (1978). *Imágenes-tatuaje. Mensaje y Medios*, 4, 47-50.
- Van Laer, J., & Van Aelst, P. (2010). "Internet and social movement action repertoires. *Information, Communication & Society*, 13(8), 1146-1171.

- Vegh, S. (2003). Classifying forms of online activism: The case of cyberprotests against the World Bank. In M. McCaughey., & M. Ayers (Eds). *Cyberactivism: Online activism in theory and practice* (pp. 71–95). New York: Routledge.
- Watson, O. R. (2005). *You decide: The dictator watch guide to social and environmental activism*. Retrieved March 26,2021, from: <http://www.activism101.org/dwguide/guidetofc.html>
- Yang, G. (2016). “Narrative agency in hashtag activism: The case of #BlackLivesMatter. *Media and Communication*, 4(4), 13–17.
- Yildiz, K. (2007). “*The Kurds in Iraq-: The Past, Present and Future*”. Pluto Press.



استناد به این مقاله: محمدی نوسودی، سندوس، بیجرانلو، عبدالله. (۱۴۰۱). کنشگری کاربران توئیتر در یادبود قربانیان بمباران شیمیایی (کیمیاباران) حلبچه، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۸(۲۹)، ۱-۴۰.

DOI: 10.22054/nms.2022.62467.1255



New Media Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..